

## اناجیل غیررسمی

عبدالرحیم سلیمانی

### اشاره

بخش اصلی مجموعه عهد جدید همان انجیل‌های چهارگانه است که در واقع، زندگی‌نامه و سخنان حضرت عیسی است. به گفته بیشتر دانشمندان قدیم و جدید، این چهار انجیل بین سال‌های ۶۵ تا ۱۰۰ میلادی نوشته شده و بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلادی رسمی و قانونی شده است. به موازات این چهار انجیل، از ده‌ها کتاب دیگر با عنوان انجیل نام برده شده است که از آنها، تحت عناوین غیررسمی، غیرقانونی یا اپوکریفایی نام برده می‌شود. این آثار، در همان دوره نگارش و قانونی شدن چهار انجیل قانونی و تا چندین قرن پس از آن به نگارش درآمده و محتوای آن، زندگی و سخنان حضرت عیسی است، اما دقیقاً قالب و چارچوب چهار انجیل رسمی را رعایت نکرده است. برخی از این اناجیل، صرفاً سخنانی از حضرت عیسی (ع) را نقل کرده است و برخی صرفاً معجزاتی از آن حضرت را؛ برخی از آنها حوادثی از زندگی عیسی و پدر و مادر او را نقل کرده است که در اناجیل دیگر نیامده است. نسخه‌های کاملی از برخی از این نوشته‌ها موجود است و از برخی از آنها صرفاً پاره‌هایی به جای مانده و از برخی دیگر فقط جملاتی که عالمان سده‌های نخست مسیحی آنها را نقل کرده‌اند. آشنایی با این اناجیل دست کم از دو جهت مهم است، یکی این‌که فضای انجیل‌نویسی را در سده‌های نخست نشان می‌دهد و دیگر این‌که به کار تطبیقی کمک می‌کند؛ زیرا برای نمونه در مواردی که درباره زندگی عیسی بین قرآن مجید و اناجیل رسمی اختلاف

است، گاهی برخی از اناجیل غیررسمی حادثه را شبیه قرآن نقل کرده است. نوشتار حاضر در پی آن است که این اناجیل را به اختصار معرفی کرده، اشاره‌ای به محتوا، تاریخ نگارش، زبان اصلی، نویسنده احتمالی و زمان نگارش آنها کند.

انجیل لوقا، که یکی از چهار انجیل رسمی و قانونی عهد جدید است، با این عبارت آغاز می‌شود:

عالمجناب تئوفیلوس، بسیاری کوشیده‌اند شرح زندگی عیسی مسیح را به نگارش در آورند و برای انجام این کار، از مطالبی استفاده کرده‌اند که از طریق شاگردان او و شاهدان عینی وقایع، در دسترس ما قرار گرفته است. اما از آنجا که من خود، این مطالب را از آغاز تا پایان، با دقت بررسی و مطالعه کرده‌ام، چنین صلاح دیدم که ماجرا را به طور کامل و به ترتیب برایتان بنویسم... (انجیل لوقا، ۱:۱-۳).

دانشمندان برآنند که انجیل لوقا بین سال‌های ۷۵-۸۵ میلادی نوشته شده است (HBD, p.583). از فقره فوق بر می‌آید که در این زمان، یعنی اواخر قرن اول، انجیل‌نویسی امری متعارف بوده و تعداد زیادی انجیل موجود بوده است. دانشمندان برآنند که دو انجیل مرقس و متی، از اناجیل قانونی، قبل از انجیل لوقا نوشته شده است، پس باید تعداد زیادی انجیل، غیر از این دو انجیل، در زمان نگارش انجیل لوقا موجود بوده باشد.

از سوی دیگر، فرایند قانونی شدن مجموعه عهد جدید، روندی تدریجی بوده است. این فرایند در نیمه قرن دوم هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده بود و ظاهراً از نوشته‌ای که از ایرنئوس باقی مانده، برداشت می‌شود که در ربع آخر قرن دوم چهار انجیل رسمی فعلی به عنوان کتاب‌های قانونی پذیرفته شده و گویا پرونده اناجیل قانونی در این زمان بسته شده بود (پیترز، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۷۲؛ کرنز، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ص ۹۴). درباره کل مجموعه عهد جدید، هر چند تکلیف بخش عمده این کتاب‌ها تا پایان قرن دوم روشن شده، اما درباره برخی از آنها نزاع تا پایان چهارم ادامه داشته و در این زمان پرونده نهایی عهد جدید قانونی، شامل ۲۷ کتاب و نوشته بسته شد (پیترز، همان، ج ۲، ص ۷۵-۷۶). پس یک دوره چهارقرنی را باید دوره نگارش و رسمیت

یافتن متون مقدس مسیحی به حساب آورد. در خلال این دوره و مدتی پس از آن، به موازات چهار عنوان نوشته که در مجموعه عهد جدید وجود دارد، یعنی انجیل، اعمال، نامه و مکاشفه، نوشته‌های دیگری با همین عناوین به وجود آمده که در مجموعه عهد جدید قانونی پذیرفته نشده است. بخش عمده این نوشته‌ها تحت عنوان انجیل قرار دارد که به گونه‌ای به زندگی و شخصیت و تعالیم عیسی یا بخشی از آنها می‌پردازد. این اناجیل در بسیاری از موارد با اناجیل رسمی اختلاف دارد و زندگی حضرت عیسی را به گونه دیگری نشان می‌دهد. در برخی از این اناجیل گزارش زندگی عیسی در بخش‌هایی با گزارش قرآن مجید از این ماجرا نزدیک و شبیه است.

تعداد این اناجیل زیاد است؛ به گونه‌ای که گفته می‌شود که تعداد آنها به بیش از دو دوجین می‌رسد (The Oxford Dictionary, p.39). در این نوشتار برآنیم که مهم‌ترین و معروف‌ترین این اناجیل را به اختصار معرفی کنیم. نویسندگان مسیحی این اناجیل را به صورت‌های مختلف دسته‌بندی کرده، تحت چند عنوان به آنها پرداخته‌اند. آنان «انجیل برنابا» را در این مجموعه نمی‌آورند، و ما بر آنیم که به اختصار درباره این مجموعه در هفت محور به بحث بپردازیم.

## الف. اناجیل کودکی و والدین عیسی

از میان اناجیل غیرقانونی، چند انجیل زیر به تولد و کودکی عیسی یا زندگی مریم یا یوسف نجار پرداخته است:

### ۱. انجیل یعقوب

این نوشته که خود را به یعقوب منسوب می‌کند و گفته می‌شود که شاید مقصود از یعقوب همان برادر عیسی مسیح است، به تاریخ تولد مریم تا تولد عیسی می‌پردازد. از آنجا که عمده مطالب این انجیل به مباحث مقدم بر مباحث موجود در اناجیل قانونی مربوط است، این نوشته از قرن شانزدهم و به دنبال ترجمه آن به لاتین توسط فردی فرانسوی به نام پاستل به «انجیل آغازین» (Protevangeliem) معروف شده است (The international standard Bible, vol. 1, p.182; New Testament Apocrypha, vol.1, p.423) گفته می‌شود که قدیمی‌ترین نسخه خطی که از این نوشته کشف شده، مربوط به قرن سوم

میلاادی است و عنوان «میلااد مریم، مکاشفه یعقوب» را دارد (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۲).

تاریخ نگارش این انجیل نیمه دوم قرن دوم احتمال داده می شود و این زمانی است که فرایند قانونی شدن اناجیل قانونی به شکل نهایی خود نرسیده بود؛ اریجن به صورت یقینی و کلمنت اسکندرانی و ژوستین احتمالاً، این سند را می شناخته اند و مطالبی مانند «تولد عیسی در غار و رسیدن نسب مریم به داود را از آن نقل کرده اند (Ibid, p.423). این انجیل در اواسط نیمه دوم قرن دوم به زبان یونانی و احتمالاً در مصر توسط فردی که یهودی الاصل نبوده نوشته شده است؛ زیرا از جغرافیای فلسطین و رسوم یهودی اطلاع زیادی نداشته است (The Internationol Standard Bible, vol.1, p.182).

دو نکته درباره این نوشته بسیار شایان توجه است؛ زیرا نشان دهنده توجه زیاد مسیحیان به این کتاب در سده های نخست میلاادی و پس از آن است. نخست این که پدران اولیه کلیسا به این کتاب زیاد اشاره کرده، از آن نقل قول کرده اند و این نشان می دهد که در جهان مسیحیت مقبولیت زیادی داشته است (The Lost Books of the Bible, p. 24). دوم این که در همان سده های نخست، این کتاب به صورت بسیار گسترده ای به زبان های مختلف ترجمه شده و نسخه های متعددی از آن به زبان های مختلف در دست است. نسخه هایی از ترجمه این اثر به زبان های سربانی، جنبشی، اسلاوی، ارمنی، گرجی، عربی و غیره موجود است و برخی از نویسندگان از این که این کتاب در همان سده های نخست به لاتین ترجمه نشده، تعجب کرده یا تلاش کرده اند که دلیلی برای آن بیاورند (ابوکریفا العهد الجدید، ص ۵۱، wilson, The International Standard vol. 1, p. 182; Wilson, New Testament Apocrypha, vol. 1, p. 422).

محتوای این نوشته قابل توجه و تأمل است؛ زیرا بخش عمده ای از آن یعنی تولد مریم در اناجیل قانونی نیامده است. البته این ماجرا در قرآن مجید آمده است که دو روایت شبیه و قابل مقایسه است. تولد عیسی، که در اناجیل متی و لوقا آمده، در این کتاب متفاوت، و از جهاتی قابل مقایسه با روایت قرآن مجید از ماجرا نقل شده است. کتاب از اینجا آغاز می شود که فردی از بنی اسرائیل به نام یواقیم، که فردی ثروتمند است و همسری به نام حنه دارد، فرزندی ندارد. او و همسرش غمگین اند و نزد خدا گریه و زاری کرده، از او فرزندی می خواهند و نذر می کنند که اگر خدا فرزندی به آنان

عطا کند، آن را وقف معبد کنند. پس خدا مژده دختری را به آنان می دهد و چون دختر، که نام او مریم است، سه ساله می شود او را به معبد می برند و کاهن اعظم، یعنی زکریا، مسئولیت او را به عهده می گیرد. او در معبد زندگی خاصی دارد و فرشتگان برای او طعام می آورند. چون دوازده ساله می شود کاهن اعظم، مسئولیت بکارت او را به فردی به نام یوسف، می سپارد که خدا به صورت اعجاز آمیز او را برای این کار برگزیده بود، وی پیش تر ازدواج کرده بود و فرزندی داشت. در این زمان، فرشته خداوند به مریم مژده فرزند می دهد. چون شش ماه می گذرد، یوسف متوجه حاملگی مریم می شود و ناراحت و غمگین می شود و ندبه می کند، فرشتگان ماجرا را به او خبر می دهند. مریم و یوسف در محاکمه حاضر می شوند و چون کاهن آنان را آزمایش می کند و سربلند بیروت می آیند، آن دو را روانه می کند.

امپراتور دستور سرشماری می دهد و چون آن دو حرکت می کنند و به وسط راه می رسند مریم احساس درد زایمان می کند. او در غاری زایمان می کند و نور به داخل غار می تابد. قابله ها او را بررسی می کنند و بعد از زایمان نیز بکارت او را تأیید می کنند. مجوسیانی برای دیدن عیسی، که ستاره او را دیده اند می آیند و هیرودیس که ماجرای تولد مسیح را شنیده بود، دستور قتل اطفال را می دهد. مریم طفل را پنهان می کند. هیرودیس در پی یحیی است و پدر او زکریا را به قتل می رساند و کتاب پایان می یابد.

## ۲. انجیل کودکی توماس

نام این نوشته در نسخه های خطی «کودکی خداوند، عیسی» (نسخه سریانی) و «گزارش کودکی خداوند به وسیله توماس، فیلسوف اسرائیل» (نسخه اول یونانی) و «کتاب رسول مقدس توماس درباره با زندگی خداوند در کودکی اش» (نسخه دوم یونانی) است (Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 441) و این نوشته از «انجیل توماس» که در نجع حمادی کشف شد (و بعداً به آن خواهیم پرداخت)، کاملاً متفاوت است. این انجیل معجزاتی را حکایت می کند که عیسی بین پنج تا دوازده سالگی انجام داده است (The *International Standard* vol. 1, p. 182). ایرنئوس در کتاب علیه بدعت ها آورده است که فرقه ای از گنوسی ها کتابی داشته اند که مشتمل بر فقره ای از همین انجیل توماس (باب ششم) بوده است. این امر از وجود این انجیل در اواخر قرن دوم حکایت می کند

(Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 442). نویسنده‌ای مسیحی به نام کیرلس اورشلیمی (متوفای ۳۸۶ م.) می‌گوید: این انجیل تألیف توماس رسول نیست؛ بلکه توماس دیگری که شاگرد مانی، مؤسس مانویت، بوده آن را نوشته است. اما مانی در قرن سوم می‌زیسته و در قرن دوم اریجن اسم این کتاب را آورده و ایرنئوس به آن استشهاد کرده است. بنابراین باید گفت که کیرلس از قدمت کتاب بی اطلاع بوده است و کتاب در قرن دوم موجود بوده است (الطرزی، *ایوکریم‌العهد الجدید*، ص ۲۱).

از اطلاعات این کتاب دربارهٔ یهودیت بر می‌آید که نویسنده باید فردی مسیحی غیریهودی‌الاصل بوده باشد. این انجیل اکنون به دو صورت موجود است؛ یکی قدیمی‌تر که مفصل و مشتمل بر نوزده باب است، و دیگری کوتاه‌تر که مشتمل بر یازده باب است. اکثر نسخه‌های خطی یونانی این کتاب، مربوط به بعد از قرن سیزدهم است. نسخه‌های دیگری از این کتاب به زبان‌های سریانی، لاتین، جشی‌گرچی و اسلاوی موجود است.

همان‌طور که گذشت، محتوای این نوشته معجزاتی است که عیسی در کودکی انجام می‌داد. او آب را مطیع خود ساخت. با گل مجسمه چند پرنده ساخت و چون مورد اعتراض قرار گرفت که چرا حکم شنبه را نقض کرده، به مجسمه‌ها دستور داد که زنده شوند. کسانی که او را اذیت کردند نفرین کرد و آنان مردند. معلمان از دانایی و حکمت او در تعجب می‌ماندند. او مردگان را زنده می‌کرد و بیمارانی را شفا می‌داد. آب را در لباس خود حمل می‌کرد. بذری می‌کاشت و معجزه آسا ثمر می‌آورد. با چوب کوچکی برای پدرش که نجار است، وسیلهٔ بزرگی ساخت و سرانجام در دوازده سالگی در معبد تعالیمی را بیان می‌کرد که عالمان یهود در شگفت می‌ماندند (برخی از معجزات فوق در نسخهٔ دوم یونانی، که کوتاه‌تر است، نقل نشده است).

### ۳. انجیل متای دروغین

این نوشته، اثری ترکیبی است که گفته می‌شود که در زمان‌های متأخر یعنی سده‌های ششم تا هشتم یا هشتم و نهم به زبان لاتین نوشته یا گردآوری شده است. (Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 458; *The International Standard* vol. 1, p. 183) اول تا هفدهم این نوشته برانجیل یعقوب مبتنی است و حوادثی دربارهٔ تولد و کودکی

مریم تا تولد عیسی در بردارد. به همین جهت، برخی این نوشته را ترجمه لاتینی انجیل یعقوب می‌دانند که مطالب دیگری به آن افزوده شده است (بولس الغفالی، الخوری، المدخل الی الكتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۳). شاید تعبیر فوق درست نباشد چرا که حدود سه پنجم مطالب این نوشته، یعنی باب‌های هفدهم تا چهل و دوم با مطالب انجیل یعقوب بیگانه است. برخی برآند اساس که مطالب باب‌های ۲۵ تا ۴۲، انجیل کودکی توماس است (The International Standard vol. 1, p. 183). با این حال، در این بخش نیز مطالبی اضافه بر انجیل کودکی توماس آمده است. نمونه آن باب‌های ۳۵، ۳۶ و ۴۰ است (ابوکریفا العهد الجديد، ص ۸۴). آنچه در این نوشته بین باب‌های هفدهم تا بیست و پنج آمده، مربوط به مسافرت یا فرار خانواده یوسف به مصر است. در این سفر، عیسی کودک معجزات متعددی انجام داده است. چون در غاری به استراحت پرداختند و ماهیایی به آنان حمله کرد، عیسی آنها را چنان رام کرد که به سجده افتادند. حیوانات دیگر رام شده، دنبال آنان می‌روند؛ درخت خرما خم شد تا مریم از میوه آن تناول کند و این را عیسی انجام داد. عیسی کاری کرد که فاصله برای آنان کوتاه شود. بت‌های معبد مصر نزد عیسی به سجده افتادند و پادشاه مصر و لشکرش وارد معبد شده، بر عیسی سجده کردند.

به هر حال، مطالب این انجیل را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. باب‌های اول تا هفدهم مربوط به قبل از تولد عیسی و در واقع بیشتر، تولد، کودکی و باکره‌بودن مریم است که بیشتر بر انجیل یعقوب مبتنی است. باب‌های هفدهم تا بیست و چهارم معجزاتی را بیان می‌کند که عیسی در سفر مصر انجام داد. باب‌های ۲۵ تا ۴۲ معجزاتی را بیان می‌کند که عیسی از پنج سالگی تا دوازده سالگی انجام داد و بیشتر بر انجیل کودکی توماس مبتنی است. پس این سخن درست به نظر می‌رسد که این نوشته ترکیبی از اناجیل موجود بوده و به تدریج در دوره‌های متأخر چنین گردآوری‌ای ضروری دانسته شده است (Wilson, New Testament Apocrypha, vol. 1, p. 458).

اما علت این‌که این نوشته، عنوان «متای دروغین» را گرفته، آن است که دو تن از اسقف‌های معاصر جروم قدیس به او نامه‌ای نوشتند و از او خواستند تا که انجیلی را که متی به زبان عبری نوشته جزو متن مقدس قانونی قرار ندهد. جروم پاسخ داد که وی توجه دارد که اگر متی می‌خواست این اثر منتشر شود، آن را به انجیل اصلی

ملحق می‌کرد. او می‌گوید من این اثر را ترجمه می‌کنم ولی جزو متن قانونی قرار نمی‌دهم (الطرزی، ابوکریفا العهد الجدید، ص ۸۵-۸۶). نامه‌نگاری فوق باعث شد که برخی همین نوشته موجود را انجیلی بدانند که در این نامه‌ها به آن اشاره شده است. اما گفته می‌شود این خطاست و این نوشته مدت‌ها پس از جروم گردآوری شده است (ibid).

#### ۴. انجیل عربی کودکی (انجیل قیافا)

گفته می‌شود که این انجیل احتمالاً در اصل به زبان سریانی و در سده‌های پنجم و ششم میلادی گردآوری شده است (ابوکریفا العهد الجدید، ص ۱۱۴؛ *The International Standard* vol. 1, p. 183). عنوان این نوشته «کتاب یوسف قیافا» است. این عنوان از آنجا ناشی شده که یعقوبیان سریانی زبان معتقد بودند که قیافا، کاهن یهودی معاصر عیسی، مسیحی شده است (همان). نسخه خطی عربی، که در واقع ترجمه‌ای از اصل سریانی بوده، برای نخستین بار در سال ۱۶۹۷ آن به لاتین ترجمه و منتشر شد ولی اکنون اصلی عربی آن موجود نیست (ibid; Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 457).

محتوای این نوشته از سه بخش اصلی تشکیل شده است: تولد عیسی، سفر به مصر و معجزاتی که در آنجا صورت گرفت و معجزات عیسی در کودکی (ibid; p. 456). بخش اول باب‌های نخست تا دهم را در بر می‌گیرد. این بخش شبیه انجیل یعقوب است. بخش دوم باب‌های ۱۱-۳۵ را در بر می‌گیرد که از منابع متعدد موجود گرفته شده است. بخش سوم باب‌های ۳۶-۵۵ را در بر می‌گیرد و شبیه انجیل کودکی توماس است (همان). با این حال، این نوشته مطالب خاص خود را نیز دارد؛ برای مثال، عیسی در گهواره با مریم سخن می‌گوید (باب اول).

#### ۵. انجیل میلاد مریم

این نوشته که «انجیل کودکی مریم» نیز خوانده شده، مربوط به سده‌های پنجم و ششم میلادی است (ابوکریفا العهد الجدید، ص ۱۳۹). این نوشته داستان تولد مریم و کودکی او و زندگی او در معبد و سپرده شدن او به یوسف و آستن شدن مریم به وسیله روح القدس را در بردارد و ظاهراً سخنی اضافه بر انجیل یعقوب و انجیل متای دروغین ندارد.



گفته می‌شود که این نوشته همان داستان کودکی مریم در انجیل متی دروغین است که اصلاح شده و ازدواج اول یوسف را (که با اناجیل قانونی ناسازگار است) و نیز برخی از مطالب ناخوشایند را حذف کرده، برخی از مطالب کسل‌کننده را کوتاه کرده است (Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 458).

### ۶. انجیل یوسف نجار

این نوشته در قرن چهارم میلادی یا حدود سال ۴۰۰ به زبان یونانی در مصر نوشته شده و اکنون نسخه‌های لاتینی، قبطی و عربی آن موجود است (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۳؛ *The International Standard* vol. 1, p. 183). البته برخی اصل این نوشته را قبطی دانسته‌اند (الطرزی، ابوکریفا العهد الجدید، ص ۲۳).

در واقع، این نوشته داستان زندگی یوسف نجار است که در ضمن آن، قدری از زندگی مریم و نیز تولد عیسی آمده است. داستان زندگی یوسف را عیسی برای شاگردانش بر فراز کوه زیتون نقل می‌کند.

یوسف در بیت لحم نجاری می‌کرد و مریم در معبد خداوند به خدمت مشغول بود. یوسف، که پیش‌تر ازدواج کرده و دارای فرزندان بود، به سرپرستی مریم انتخاب شد. مریم به وسیله روح القدس آبستن شد و فرشته خداوند یوسف را از ما وقع مطلع کرد. ماجرای سرشماری پیش آمد و در راه عیسی متولد می‌شود و هیرودیس دستور قتل عام اطفال را می‌دهد و خانواده یوسف به مصر می‌گریزد و سپس با مرگ هیرودیس به ناصره جلیل باز می‌گردد. آنچه گذشت، در نه باب اول این نوشته آمده، که مشابه دیگر اناجیل کودکی است و تنها در جزئیات متفاوت است.

از باب دهم سخن از کهن سالی یوسف است که به ۱۱۱ سالگی رسیده و کاملاً سالم است. عیسی در خانواده یوسف بود و فرشته خداوند یوسف را از مرگ او مطلع کرد. یوسف به دعا مشغول شد و به مرض مرگ مبتلا گشت. یوسف روح خود را تسلیم کرد و به هنگام مرگ، سخنانی به زبان آورد و کلمات ایمان را شهادت داد. یوسف در حال احتضار بود و عیسی برای او دعا کرد و میکائیل و جبرائیل روح او را به مکان ابرار منتقل کردند و بدن او را فرشتگان تکفین کردند و عیسی خطاب گفت که حتی بدن او از بین نمی‌رود. یوسف به خاک سپرده شد.

در پایان، سخنی درباره مرگ آمده است و آن این‌که مرگ به خاطر گناه آدم بر همگان عارض می‌شود و شاگردان مسیح در این باره از او سؤالاتی کردند.  
ویژگی این نوشته آن است که بحث‌هایی الهیاتی درباره آخرت‌شناسی مطرح کرده است. برخی با توجه به این مباحث تاریخ نگارش کتاب را حدود سال ۴۰۰ میلادی تعیین کرده‌اند (الطرزی، ابوکریفا العهد الجديد، ص ۲۳).

#### ۷. انجیل صعود مریم

این انجیل در قرن پنجم و در حدود سال ۴۰۰ میلادی در مصر به زبان یونانی نوشته شده و به زبان‌های سریانی، قبطی، عربی و لاتین ترجمه شده و نسخه‌هایی خطی از این ترجمه‌ها موجود است (الفغالی، المدخل الی الكتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۳؛ *The International Standard* vol. 1, p. 183).

در بخشی از این نوشته آمده است که عیسی دو سال پس از صعود، بر مادرش مریم ظاهر شد و به او مرگ قریب الوقوعش خبر داد. پس از وفات مریم، معجزات و شفاهایی به واسطه جسد او رخ داد تا این‌که عیسی روح را به بدن او برگرداند و به بهشت منتقل شد (ibid). این عمل در حضور رسولان رخ داد و پس از آن بود که بدن مریم به خاک سپرده شد بود. در نسخه عربی جزئیات بیشتری از زندگی مریم، مانند معجزات، عبادت و طلب شفاعت از او و نیز اعیادی که برای احترام به او گرفته شده، آمده است (همان).  
گفته می‌شود که این سند در تنسیق آموزه «صعود مریم»، که در سال ۱۹۵۰ توسط پاپ پیوس دوازدهم قانونی اعلام شد، نقش مهمی داشته است (ibid).

#### ب. اناجیل مربوط به حوادث پایان زندگی عیسی

برخی از نوشته‌ها به حوادث پایان زندگی عیسی از قبیل رنج‌های او و برخاستن او از قبر پرداخته‌اند. این حوادث در هر چهار انجیل قانونی با تفاوت‌هایی نقل شده، اما گاهی بین این نوشته‌های غیرقانونی، و اناجیل قانونی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

#### ۱. انجیل پطرس

این انجیل، که تنها بخشی از آن باقی مانده، بخش پایانی زندگی عیسی، یعنی از محاکمه

تا پایان زندگی زمینی و رستاخیز او را حکایت می‌کند. هر چند نمی‌توان تاریخ دقیق نگارش آن را تعیین کرد، اما باید گفت که این نوشته یکی از قدیمی‌ترین اناجیل اپوکریفایی است و در نیمه اول قرن دوم و شاید حدود سال ۱۳۰ میلادی در سوریه نوشته شده است. یوسیپوس در قرن چهارم از سرایان که در سال ۱۹۰ میلادی اسقف انطاکیه بود، نقل کرده است که انجیل پطرس در روسوس در نزدیکی انطاکیه به صورت علنی قرائت می‌شده است. اریجن در تفسیرش بر انجیل متی (۱۷:۱۰) می‌گوید که انجیلی به نام انجیل پطرس توسط کسانی که معتقد بودند که برادران عیسی از ازدواج قبلی یوسف بودند، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

گفته می‌شود که از آنجا که در این نوشته به این اشاره شده که عیسی در بالای صلیب اصلاً رنج نکشید و احساس درد نکرد، پس نویسنده باید از کسانی باشد که جسم عیسی را نه جسم واقعی، بلکه جسم ظاهری می‌دانسته است. هم‌چنین نویسنده از اناجیل رسمی، به ویژه اناجیل همنوا، استفاده کرده است.

از نکات قابل توجه در این انجیل آن است که نویسنده پیلاتس، سردار رومی، را از قتل عیسی تبرئه می‌کند و همه اتهام را متوجه هیرودیس یهودی می‌کند. به هنگام برخاستن او از قبر حوادث شگفتی رخ می‌دهد و حتی دشمنان او از برخاستن او مطلع می‌شوند. سه مرد، که قد دو نفر از آنان به آسمان می‌رسد و نفر سوم که رهبر آنان است و قدش از آسمان هم می‌گذرد، همراه صلیب از قبر بیرون آمدند و آنان از صلیب، که تشخیص یافته، اموری را می‌پرسند و او پاسخ می‌دهد. عیسی بعد از قیام بر عده زیادی ظاهر شد و... در سال ۱۸۸۶ دست‌نوشته‌ای به زبان یونانی از این انجیل، که بخش‌هایی از آن را شامل می‌شد، در مصر کشف شد که همین بخش در دست است (همان، ص ۳۱۲-۳۱۱؛ سعید، حبیب، المدخل الی الکتاب المقدس؛ ص ۲۳۶) (ibid, p. 183; Lapham, Fred. *An Introdoction to the New Testament Apocrypha*, p. 89-91)

## ۲. انجیل نیکودیموس (اعمال پیلاتس)

نام این نوشته در ابتدا اعمال پیلاتس بوده و در سنت لاتینی و از حدود سده‌های ۱۳ و ۱۴ م. به نام انجیل نیکودیموس - فردی که پس از سال‌ها ابتلا به فلج به دست عیسی شفا یافت - معروف شده است. مطابق این سنت فردی مسیحی به نام انانیا س ادعا کرد که در

سال ۴۲۵ گزارشی را، که از نیکودیموس به زبان عبری بوده، به زبان یونانی ترجمه کرده است (The International Standard vol. 1, p. 183). با این حال، احتمال قوی داده شده که این نوشته در اصل به زبان یونانی نوشته شده و برخی زبان لاتینی را نیز احتمال داده‌اند (الطرزی، ابوکریفا العهد الجديد، ص ۲۵).

زوستین و ترتولیان به «کتاب اعمال پیلاطس» اشاره کرده‌اند که البته معلوم نیست که مقصود همین کتاب باشد.

به هر حال، این کتاب دارای دو بخش است. بخش نخست کتاب به محاکمه عیسی و صلیب او اختصاص یافته است در این بخش تلاش شده که پیلاطس از اتهام قتل مسیح تبرئه شود و یهودیان عامل قتل قلمداد شوند. بخش دوم کتاب به نزول عیسی به دوزخ اختصاص یافته است. گفته می‌شود که این دو بخش در دو زمان نوشته شده و بعداً به هم ملحق شده است. بخش دوم قدیم‌تر است و احتمالاً در قرن دوم نوشته شده و بخش اول در قرن چهارم نوشته شده است. با این حال، نمی‌توان زمان دقیقی برای زمانی که این دو به هم ملحق شده، تعیین کرد.

نسخه‌های متعددی از این اثر به زبان‌های یونانی، سریانی قبطی، جشی، ارمنی و لاتینی موجود است (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۴؛ سعید، المدخل الی الکتاب المقدس، ص ۲۳۹).

### ج. اناجیل یهودی - مسیحی

برخی از اناجیل ابوکریفایی با گرایش یهودی نگاشته شده که گفته می‌شود احیاناً مسیحیان یهودی‌الاصل آن را به وجود آوردند یا در میان آنان رواج داشته است. سه نوشته تحت این عنوان قرار می‌گیرد که گفته می‌شود که پاسخ به این پرسش که این سه واقعاً سه تاست یا یکی، بسیار مشکل است. برخی بر آنند که از این سه نوشته، یعنی انجیل عبرانیان، انجیل ناصریان و انجیل ایونی‌ها، دومی و سومی نسخه اصلاح‌شدهٔ اولی است (ibid, p. 184).

جروم به انجیلی عبری که در میان ایونی‌ها رواج داشت و انجیلی عبری که ناصریان (نصرانیان)، ساکن در شمال سوریه، آن را معتبر می‌دانستند، اشاره می‌کند و می‌گوید که او انجیلی عبری را به لاتین ترجمه کرده است (ibid).

به هر حال، از این اناجیل سه گانه تنها قطعه‌هایی در دست است که نویسندگان سده‌های نخست مسیحی آن را نقل کرده‌اند و تعیین این‌که هر یک از این قطعه‌ها دقیقاً از کدام انجیل بوده یا این‌که اساساً از یک نوشته بوده، مشکل است. از آنجا که از این سه انجیل نسخه‌ای نمانده و تنها به نامش اشاره شده یا فقره‌ای از آن نقل شده، گاهی آنها را اناجیل گمشده می‌خوانند (ANA, p. 82).

### ۱. انجیل عبرانیان

این اثر، اصل آن باقی نمانده و ما تنها با اشاره‌هایی که کلمنت، اریجن، یوسیبوس و جروم به آن کرده و قطعه‌هایی که از آن نقل کرده آن را می‌شناسیم. این انجیل در اصل به زبان آرامی یا عبری نگاشته شده و در میان مسیحیان یهودی‌الاصل مصر در قرن دوم رواج داشته است. پس این انجیل در اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم نگاشته شده است (سعید، المدخل الی الكتاب المقدس، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ *The International Standard* vol. 1, p. 184). گویا جروم نسخه‌ای از این اثر را در قرن چهارم در انطاکیه یافته و آن را اصل سامی برای انجیل متای قانونی انگاشته و قسمت‌هایی از آن را ترجمه کرده است (الفغالی، المدخل الی الكتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۰). از فقراتی که از این انجیل باقی مانده مقام والای یعقوب، برادر عیسی، استفاده می‌شود و مسیحیان یهودی‌الاصل چنین اعتقادی داشته‌اند.

هم چنین عیسی، روح القدس را مادر خود خوانده و بنابراین مؤنث تلقی شده است و این امر ریشه سامی دارد. این امور از اصل سامی این نوشته حکایت می‌کند (ibid). هم چنین از این نوشته، این عبارت نقل شده که «مرا لمس کنید و بدانید که من روح نیستم بلکه جسم هستم.» (همان) این عبارت بیشتر یهودی بودن اثر را نشان می‌دهد و در مقابل انجیل پطرس قرار دارد که جسم عیسی را ظاهری می‌دانست (هم چنین رک: Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 159-193; 112-116 458).

### ۲. انجیل ناصریان (نصرانیان)

این نوشته به زبان آرامی یا عبری در اوایل قرن دوم در شمال سوریه، یعنی همان جایی که ناصریان (نصرانیان) می‌زیستند، نوشته شده است. بسیاری از نویسندگان سده‌های

نخست به این انجیل اشاره کرد، از آن نقل کرده‌اند. حدود سی فقره که از این کتاب نقل شده، اکنون باقی مانده و این فقرات شباهت بسیار زیاد این نوشته را با انجیل متای قانونی نشان می‌دهد. این انجیل نیز اهمیت زیادی به شخصیت یعقوب، برادر عیسی، می‌دهد. به هر حال شباهت زیاد این نوشته با انجیل متی باعث شده که کسانی این نوشته را همان انجیلی بدانند که یوسیپوس در قرن چهارم از پاپیاس در قرن اول نقل کرده که متای حواری انجیل خود را به زبان عبری نوشت و دیگران آن را به یونانی ترجمه کردند. باز گفته می‌شود که این انجیل همان انجیل عبرانیان است که جروم در نزدیکی انطاکیه کشف کرد (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۰؛ *The International Standard* vol. 1, p. 184; ANA, p. 82-83).

### ۳. انجیل ایبونی‌ها

ایبونی‌ها فرقه‌ای از مسیحیان بودند که در سده‌های نخست از درون مسیحیان یهودی‌گرا بیرون آمدند و اعتقاداتی خاص داشتند. آنان با اعتقادات یولس درباره مسیح و نیز نفی شریعت مخالف بودند. گفته می‌شود که آنان از میان اناجیل رسمی تنها انجیل متی را قبول داشتند.

انجیل منسوب به ایبونی‌ها در حدود سال ۱۵۰ و به زبان یونانی نوشته شده است. و در آن مطالبی نقل شده که تفکیک آن از مطالب مذکور در دو انجیل قبل مشکل است. این انجیل که تا حدی شبیه انجیل متای قانونی بوده، نکات خاصی داشته است. تعمید مسیح و انتخاب دوازده حواری را نقل می‌کند، ولی گویا سه انجیل همنوا، متی، مرقس و لوقا را در این باره ترکیب کرده است. این انجیل بقای بکارت مریم پس از تولد عیسی را انکار می‌کند و می‌گوید عیسی پس از تعمید، فرزند خدا شد. گفته می‌شود که ردپایی از تعالیم گنوسی‌ها در این کتاب دیده می‌شود (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ *The International Standard* vol. 1, p. 184; ANA, p. 84-85; Wilson, *New*؛ ۳۱۱-۳۱۰؛ *Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 166-168).

### د. اناجیل گنوسی (اناجیل کشف‌شده در نجع حمادی)

گنوسی‌های مسیحی گرایشی بودند که مسیحیت قرن دوم و سوم را به شدت تحت تأثیر

قرار دادند. تا قبل از قرن حاضر همه اطلاعات درباره آنان منحصر به ردیه‌هایی بود که آباء اولیه کلیسا در رد آنان نگاشته بودند. در سال ۱۹۴۵ در مصر علیا در منطقه‌ای به نام نجع حمادی مجموعه‌ای عظیم کشف شد که بسیاری از امور را روشن کرد. این مجموعه مشتمل بر سیزده کتاب است که هر یک از این کتاب‌ها شمار زیادی از نوشته‌ها را در بردارد. این نوشته‌ها که از یونانی به قبطی ترجمه شده، در سده‌های سوم و چهارم گردآوری و برگردان شده است، اما اصل آنها به سده‌های قبل مربوط است. این مجموعه به لحاظ محتوایی بسیار گوناگون است، اما بخش عمده آن شبیه مجموعه عهد جدید رسمی است و عنوان انجیل، رساله، مکاشفه و... را دارد. در این مجموعه چندین نوشته وجود دارد که عنوان انجیل را دارند: (HBD, p. 679-680; ODCC, p. 1129.)

### ۱. انجیل توماس<sup>۱</sup>

این نوشته، که با انجیل کودکی توماس متفاوت است، برخلاف آن نه حوادث زندگی عیسی، بلکه سخنان و تعالیم او را در بردارد. در ابتدای این نوشته آمده است: «این است سخنان سری عیسیای زنده که و یهودا توماس همزاد آن را نوشت.» در برخی از کلیساها توماس را، که یکی از حواریان عیسی است، برادر دو قلوئی عیسی می دانسته‌اند. از خود این نوشته بر می آید که توماس از نظر مقام و معرفت بالاتر از دیگر حواریان، حتی پطرس، بوده است و عیسی تعالیمی سری را به او سپرد که دیگران تحمل شنیدن آنها را نداشتند (شماره ۱۳). پس این نوشته همان طور که از ابتدایش پیداست، نوشته‌ای سری و باطنی است و در واقع گنوسی‌ها به چنین تعالیمی قائل بودند (برای اطلاع بیشتر درباره تعالیم و گرایش‌های گنوسی رک: گریدی، مسیحیت و بدعت‌ها، فصل‌های ۲-۴). این نوشته در نیمه دوم قرن دوم، یا اندکی قبل از آن، به زبان یونانی و احتمالاً در سوریه نوشته شده و در قرن سوم به قبطی ترجمه شده است.

انجیل توماس مشتمل بر ۱۱۴ سخن از حضرت عیسی است که ۴۰ عدد از آنها جدید است و مابقی به گونه‌ای در اناجیل همنوا و دیگر نوشته‌ها آمده است. گویا

۱. این انجیل را آقای منصور معتمدی به فارسی برگردانده و در فصلنامه هفت آسمان، ش ۳ و ۴ به چاپ رسیده است.

نویسنده از منابع مختلف قبلی جمع آوری کرده و به آنها شکل و ادبیات گنوسی داده است. این که رابطه این نوشته با اناجیل همونوا به لحاظ منبع شناختی چیست، دانشمندان در پاسخ به آن به جواب روشنی نرسیده‌اند (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۵؛ Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 186; ANA, p. 114-120; *The International Standard* vol. 1, p. 232-239).

## ۲. انجیل فیلیپس

این نوشته در واقع تعالیم گنوسی‌ها، یعنی شاخه والنتینوسی آنها، را در بردارد. والنتینوس بزرگ‌ترین متفکر گنوسی قرن دوم بود که در اواسط قرن دوم مدارس را در مصر و قبرس ایجاد کرد که تا قرن چهارم دایر بود و مکتب مشهوری را در شهر رم بنا نهاد. به هر حال، تعالیم والنتینوس باطنی بود و ایرنئوس قدیس کتاب معروفش به نام علیه بدعت‌ها را بیشتر در رد اندیشه‌های والنتینوسی اختصاص داد (گریدی، مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۶۵-۶۶).

نوشته موسوم به انجیل فیلیپس، که در آن از میان حواریان عیسی تنها نام او آمده و احتمالاً به همین جهت بعداً این نوشته به او منسوب شده، مشتمل بر ۱۲۷ بند است. محتوای این کتاب، بیان سری و باطنی از شعائر مسیحیت و نیز بیان تعالیم دیگر والنتینیوسی گنوسی است. این نوشته در اصل به زبان یونانی در قرن دوم و احتمالاً به قلم والنتینوس نوشته شده است. نسخه فعلی، ترجمه قبطی از یونانی است که احتمالاً در نیمه دوم قرن سوم انجام گرفته است.

در سده‌های نخست ایپانوس به انجیل فیلیپس که گنوسی‌های مصر مورد استفاده قرار می‌داده‌اند، اشاره می‌کند و از آن نقل می‌کند؛ اما آنچه او نقل کرده در نوشته فعلی یافت نمی‌شود (*The International Standard* vol. 1, p. 186-187; Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 179-187; ANT, p. 94-98).

## ۳. انجیل حقیقت

یکی از آثار گنوسی که در مجموعه‌ای قرار دارد که در نجع حمادی کشف شد، نوشته‌ای است به نام «انجیل حقیقت». ایرنئوس در کتاب علیه بدعت‌ها که به ربع آخر قرن دوم متعلق



است، می‌گوید: «اما آنان پیرو والتینوس‌اند... به این مباهات می‌کنند که غیر از اناجیل موجود اناجیل دیگری در اختیار دارند. در واقع، آنان جسارت را به حدی رسانده‌اند که نوشته‌ای را که از تألیف آن، زمان چندی نگذشته «انجیل حقیقت» می‌نامند، هر چند به هیچ وجه موافق اناجیل شاگردان مسیح نیست» (The International Standard vol. 1, p. 187).

برخی از فقراتی که ایرنئوس نقل کرده و در «انجیل حقیقت» موجود نیز یافت می‌شود، حاکی از آن است که ایرنئوس به همین کتاب اشاره کرد است (ibid). به هر حال، نویسنده این کتاب از پیروان والتینوس یا شخص او بوده است (ODCC, p. 581).

این کتاب شباهت زیادی به شکل و صورت اناجیل موجود ندارد و به همین سبب برخی حتی نام‌گذاری را نادرست شمرده‌اند (Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 358). این نوشته نیز محتوی تعالیم گنوسی والتینوس است و تعالیم زیادی را درباره مسیح‌شناسی خاص این گروه در بردارد (مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۷۱-۷۲). این کتاب در قرن دوم در اسکندریه به زبان یونانی نوشته و بعداً به قبطی برگردانده شده است (الفعالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۶).

#### ۴. انجیل مصریان

نوشته دیگری که در مجموعه نجع حمادی وجود دارد و حاوی تعالیم گنوسی است، «کتاب مقدس روح بزرگ نادیدنی» نام دارد و انجیل مصریان نیز خوانده می‌شود. باید توجه داشت این نوشته با نوشته دیگری که با همین عنوان انجیل مصریان در اختیار پدران اولیه کلیسا بوده و از آن نقل کرده‌اند (و در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت)، کاملاً متفاوت است (ODCC, p. 535; Wilson, *New Testament Apocrypha*, vol. 1, p. 413).

به هر حال، این نوشته اثری قبطی است و در واقع کتابی اعتقادی است و برخی روا ندانسته‌اند که تحت عنوان «انجیل» بدان اهمیت زیادی دهند (ibid). با این حال، نوشته مذکور به لحاظ مطالعه اندیشه‌های گنوسی سده‌های نخست، می‌تواند قابل توجه باشد. برای نمونه، در این نوشته این اندیشه گنوسی توضیح داده شده که چگونه از خدای پدر توصیف ناشدنی سه قدرت پدر، مادر و پسر به ظهور می‌رسد و همین‌طور سلسله قوای پایین‌تر از اینها ناشی می‌شود (The International Standard vol. 1, p. 187).

## ۵. انجیل یوحنا دروغین

نوشته دیگری که در مجموعه نجع حمادی قرار دارد، انجیل یوحنا دروغین است. این اثر در ابتدای قرن دوم نوشته شده و بعداً به قبطی ترجمه شده است. از خود نوشته بر می‌آید که آن را مسیح در بالای کوه زیتون به یوحنا وحی کرده است. در این اثر تلاش شده که تعالیم گنوسی در قالب تفسیر سفر پیدایش ارائه شود (الفغالی، المدخل الی الکتاب المقدس، ج ۴، ص ۳۱۶؛ Wilson, *New Testament Apocrypha* vol 1, p. 387).

## ۵. انجیل رده‌شده توسط آبای اولیه کلیسا

در آثار آبای اولیه کلیسا گاهی سخن از اناجیلی به میان آمده و یا سخنی از آنها نقل شده که هدف رد آنها بوده است. گاهی از این آثار تحت عنوان «اناجیل بدعت‌آمیز» یاد می‌شود. تنها اثری که از این اناجیل باقی مانده، همان اشاره‌های آبای کلیسا است. چندین نوشته تحت این عنوان قرار می‌گیرد که به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

### ۱. انجیل مارکیون

مارکیون (۱۳۰-۱۸۰) روایتی از مسیحیت را ترویج می‌کرد که شبیه مسیحیت گنوسی بود. او کتاب عهد جدید خاصی برای خود ایجاد کرد که مشتمل بود به نسخه‌ای اصلاح‌شده از انجیل لوقا و برخی از رساله‌های پولس. مقصود از انجیل مارکیون همین نسخه اصلاح‌شده انجیل لوقا است که البته به گمان مارکیون، نویسنده آن پولس بوده است (مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۱۰۵-۱۰۷؛ *The International Standard* vol. 1, p. 184). هم‌چنین معلم دیگر گنوسی به نام باسیلدس نسخه تغییر یافته انجیل لوقا را انجیل خود قرار داده بود (ibid).

### ۲. انجیل حوا

اپیفانوس از یک انجیل گنوسی به نام «انجیل حوا» فقره‌ای را نقل می‌کند که ظاهراً نقل یک مکاشفه است. این اثر تعالیم گنوسی را در برداشته و درباره فقره‌ای که اپیفانوس نقل کرده، بحث‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما سخن روشنی در این باره نمی‌توان گفت.

به هر حال این اثر مربوط به قرن دوم بوده است: (The International Standard vol. 1, p. 185; Wilson, New Testament Apocrypha vol 1, p. 358-360).

### ۳. انجیل یهودا

ایرنئوس و ایپیفانوس به انجیل گنوسی دیگری به نام «انجیل یهودا» اشاره می‌کنند و از آن مطالبی نقل می‌کنند. این اثر که در اواسط قرن دوم نوشته شده، نشان می‌دهد که تنها یهودا و نه هیچ کس دیگر، حقیقت را می‌دانسته است (ibid, p. 386-387; The International Standard vol. 1, p. 185).

### ۴. انجیل برتولما (Bartholomew)

جروم در تفسیر خود بر انجیل متی این انجیل را ذکر می‌کند ولی چیز زیادی دربارهٔ این اثر معلوم نیست. اثر دیگری وجود دارد به نام پرسش‌های برتولما که بین قرن‌های سوم تا پنجم نوشته شده و در آن سؤالاتی از عیسی و مریم و شیطان شده است. این اثر به زبان‌های یونانی، لاتین و اسلاوی حفظ شده است. احتمال ارتباط بین این دو اثر وجود دارد (ibid.; Wilson, New Testament Apocrypha vol 1, p. 537-538).

### ۵. انجیل مصریان

آبای اولیه کلیسا فقراتی از کتابی به نام «انجیل مصریان» نقل کرده‌اند. این اثر از انجیل دیگری به همین نام که در مجموعه نجع حمادی کشف شد و قبلاً گذشت، کاملاً متفاوت است. این نوشته در اوایل قرن دوم در مصر و به زبان یونانی نوشته شده است. ایپیفانوس با اشاره به این کتاب می‌گوید: آن مورد استفادهٔ سابلیوسی‌ها (گروهی که تثلیث را سه جلوهٔ خداوند می‌دانستند) بوده و هایپولیتوس آن را به گنوسی‌ها نسبت داده است. دو فقره از این کتاب را کلمنت اسکندرانی نقل کرده و در آنها، عیسی یا سالومه، دختر هیرودیس و هرودیا (متی، ۱۴: ۳-۱۲) گفت‌وگو می‌کند و موضوع بحث، جواز ازدواج است. ظاهراً این کتاب از دواج را منع می‌کرده است. (بولس الفغالی، الخوری، المدخل الی الكتاب المقدس، ج ۲، ص ۳۱۱؛ Wilson, New Testament Apocrypha vol 1, p. 209-215; ANA, ۳۱۱)

### ۶. انجیل متیاس (Matthias)

در باب اول کتاب اعمال رسولان آمده است که حواریان حضرت عیسی پس از او و پس از مرگ یهودای اسخریوطی خائن، شخصی به نام متیاس را با قرعه به عنوان شاگرد دوازدهم به جای یهودا برگزیدند. نویسندگان سده‌های نخست مانند اریجن، یوسیبوس، هیپولیتوس و کلمنت اسکندرانی به کتابی به نام «انجیل متیاس» اشاره کرده‌اند که متعلق به گنوسیان است و حاوی سنتی سری است. کلمنت از این کتاب نقل می‌کند که متیاس چنین تعلیم می‌داده که انسان باید جسم و خواسته‌های آن را سرکوب کند تا روح با ایمان و معرفت رشد کند.

برخی بر دین باورند که این انجیل همان نوشته‌ای است که در مجموعه نجع حمادی کشف شده و عنوان «انجیل توماس» را دارد و شواهدی برای سخن خود آورده‌اند و برخی دیگر با این سخن مخالفت کرده‌اند (The Standard International vol. 1, p. 185; Wilson. *New Testament Apocrypha* vol 1, p. 382-385)

### ۷. چند نوشته دیگر

گاهی نوشته‌های دیگری تحت عنوان اناجیل غیرقانونی آورده شده که شاید نتوان آنها را تحت عناوین فوق گنجانید. برخی از مهم‌ترین این نوشته‌ها عبارت است:

#### ۱. انجیل مریم (مجدلیه)

نسخه خطی قبطی این نوشته، که گفته می‌شود مربوط به قرن پنجم میلادی است، در سال ۱۸۹۶ پیدا شد و در جنگ جهانی دوم ناپدید شد، و نوشته موجود، از روی یادداشت‌های موجود بازنویسی شد. احتمالاً این نوشته در اصل به زبان یونانی و در قرن دوم نوشته شده باشد. البته چیزی درباره نویسنده آن معلوم نیست. این نوشته دو قسمت دارد. در بخش اول که قسمت اول آن موجود نیست، عیسی پس از صعود به شاگردان تعالیمی درباره گناه و ماهیت آن می‌دهد. در بخش دوم عیسی تعالیمی سری به مریم مجدلیه، که نزد عیسی از همه زنان بالاتر است، می‌دهد و او برای شاگردان بیان می‌کند. پطرس اعتراض می‌کند که مگر می‌شود که عیسی در میان شاگردان یک زن را برای این

کار برگزیده باشد. مریم به او پاسخ می دهد و برخی از حواریان از مریم دفاع می کنند  
(*The International Standard* vol. 1, p. 186; Wilson, *New Testament Apocrypha* vol 1, p.  
390-394; *The Complete Gospels*, p. 357-360)

## ۲. انجیل سری مرقس

فردی به نام مورتون اسمیت در سال ۱۹۷۳ دست نوشته ای را که خود او در سال ۱۹۵۸ در اورشلیم کشف کرده بود، چاپ کرد. این نوشته بخشی از نامه ای منسوب به کلمنت اسکندرانی بود. در این نامه آمده است که گروهی از گنوسی ها اعتقادات خود را از «انجیل مرقس» که سری و رمزی است می گیرند. به گفته این نامه، مرقس پس از مرگ پطرس به اسکندریه آمده، انجیلی بسیار روحانی و معنوی برای انسان های کامل تألیف کرده است. فقره ای از این انجیل که این نامه نقل می کند، حاوی این است که عیسی جوان مرده ای را زنده می کند و آن جوان پس از برخاستن عیسی، او را می بیند و عیسی تعالیم سری و رمزی به او می دهد. گفته می شود که این انجیل در ربع نخست قرن دوم میلادی در اسکندریه مورد استفاده قرار می گرفته است  
(*The International Standard* p. 187; *The Complete Gospels*, p. 408-410)

## ۳. حکمت ایمانی (Pistis Sophia)

نسخه خطی این اثر، که نوشته ای گنوسی است، به زبان قبطی در سال ۱۷۸۵ کشف شد. سه بخش این اثر در اصل به زبان یونانی و حدوداً بین سال های ۲۵۰ تا ۳۰۰ تألیف شده اند. زمان تألیف بخش چهارم، که فاقد عنوان است، به حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ برمی گردد.

این اثر حاوی ۴۶ سؤال است که دوازده سال پس از صعود عیسی از او پرسیده شده است. ۳۹ سؤال توسط مریم مجدلیه پرسیده و پاسخ ها توسط فیلیپ نوشته شده است. در این اثر نیز، مانند انجیل مریم، پطرس به این وضعیت و جایگاه مریم مجدلیه و این که او بیش از دیگران سخن می گوید، اعتراض کرده ولی مریم به کار خود ادامه می دهد. در این نوشته عیسی به شاگردان خود درباره غلبه بر شر و مواجهه با حکمت ایمانی و تعالیم گنوسی دیگر تعلیم می دهد. او به شاگردان خود می گوید که اسراری را که در کتاب های

جئو (Jeu) (که در شماره بعد معرفی می شود) آمده، بیاموزند (*The International Standard*, vol. 1, p. 185-186; Wilson, *New Testament Apocrypha* vol 1, p. 361-369)

#### ۴. کتاب های جئو (Jeu)

دو کتاب جئو، آثاری گنوسی است که نسخه خطی آن به زبان قبطی، که مربوط به قرن های چهارم تا ششم میلادی است، در سال ۱۷۶۹ کشف شد. این اثر ترجمه ای از اصل یونانی است که در نیمه اول قرن سوم تألیف شده است. در این اثر عیسی این را بیان می کند که چگونه خدای پدر جئو (Jeu) خدای واقعی، را از آغوش خود برون داد. در این دو کتاب تعالیم سری دیگری نیز آمده است (*The International Standard*, vol. 1, p. 186; *ibid*, p. 370-373).

#### ز. یک انجیل ویژه، انجیل برنابا

اکنون انجیل دیگری در دست است که «انجیل برنابا» خوانده می شود. این نوشته مکرر تصریح کرده که آن را برنابای حواری نوشته است. ویژگی مهم این نوشته آن است که به صورت مکرر و حتی با نام (برنابا، ۱۶۳:۷) آمدن پیامبر اسلام و خاتمیت او را با صراحت بیان کرده است. هم چنین در چند جای این نوشته مطالبی بیان شده که که با سنت اسلامی نزدیک است. این نوشته به لحاظ حجم ظاهراً از همه نوشته های قانونی و غیرقانونی موجود مفصل تر است. نویسندگان مسیحی می گویند که این نوشته از نسخه خطی به زبان ایتالیایی گرفته شده که تاریخ نگارش آن به قرن شانزدهم میلادی بر می گردد. آنان می گویند که نویسندگان پنج قرن نخست، با این که تعداد بسیار زیادی از اناجیل غیرقانونی را، که برخی از آنها تعالیمی در مقابل تعالیم راست کیشی را در برداشته اند، ذکر کرده اند، اما نامی از این انجیل در میان آثار آنان دیده نمی شود. به هر حال تاریخ نگارش این نوشته را قرن ۱۶ و برخی قرن ۱۴ می دانند. آنان می گویند که این نوشته را یک مسیحی تازه مسلمان نوشته و هدف او این بوده که انجیلی مطابق دین جدید خود بنویسد (میشل، کلام مسیحی، ص ۵۳؛ سعید، المدخل الی الکتاب المقدس، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ ODCC, p. 159). البته عباس العقاد، نویسنده مسلمان مصری، نویسنده این اثر را یک یهودی می داند (همان).

گفته می‌شود که در سندی به زبان لاتین که به پاپ گلاسیوس (Decretum Glasianum) (۴۹۲-۶) منسوب است، نام «انجیل به روایت برنابا» آمده و در فهرست نوشته‌های مردود قرار گرفته است. اما این نوشته شاید غیر از انجیل برنابای موجود بوده است (ODCC, p. 463). و باز نباید این «انجیل برنابا» را با «رساله برنابا» که کلمنت اسکندرانی و اریجن و دیگران ذکر کرده‌اند و بعداً متن آن کشف شده، اشتباه کرد. آن رساله نوشته‌ای است علیه یهودیت که از شریعت و قربانی‌های یهودی تفسیری معنوی می‌کند و گفته می‌شود که بین سال‌های ۷۰ تا ۱۵۰ نوشته شده است (میلر، تاریخ کلیسای قدیم، ص ۸۹-۹۰).

انجیل برنابای موجود، در حالی که هیچ جایگاهی در میان مسیحیان ندارد و حتی نام آن را در میان اناجیل اپوکریفایی ذکر نمی‌کنند، توجه برخی از مسلمانان را به خود جلب کرده است. این بدان سبب است که این نوشته اندکی به اندیشه‌های اسلامی نزدیک است و مهم‌تر این‌که بشارت به پیامبر اسلام در آن با صراحت و با نام «محمد» (ص) آمده است. اما باید توجه داشت که جدای از این‌که دفاع از قدمت این نوشته بسیار مشکل است و شواهد بیشتر به سود مجعول بودن آن و آن هم جعل در همین زمان‌های متأخر است، به لحاظ محتوایی هم از منظر اسلامی قابل دفاع نیست. در این باره به دو نکته اشاره می‌کنیم:

الف) در فرهنگ اسلامی کلمه «انجیل» که ریشه در قرآن مجید دارد، نام کتابی است که خداوند بر پیامبر خود، حضرت عیسی (ع) نازل کرده است. اما در فرهنگ مسیحیت رایج، که عیسی خدای مجسم است، دیگر سخن از کتاب آسمانی که بر حضرت عیسی نازل شده باشد، نیست و چهار انجیل، رسمی موجود، یعنی اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا، زندگی‌نامه و سخنان حضرت عیسی است که دیگران، و البته به اعتقاد مسیحیان با تأیید روح القدس، آن را تألیف کرده‌اند. بنابراین اگر مسلمانان در پی یافتن «انجیل» حضرت عیسی هستند، باید در جست‌وجوی کتابی حاوی دستورات خداوند و تعالیم دینی، با شکل و سبک قرآن مجید باشند. باید توجه داشت که انجیل برنابای موجود نیز به لحاظ ساختار محتوایی مانند اناجیل رسمی مسیحی است و زندگی و سخنان حضرت عیسی را، البته گاهی متفاوت از آنها، بیان می‌کند. اگر مسلمانی این نوشته را معتبر می‌داند و آن را به برنابای حواری منسوب می‌داند، باید به این پرسش پاسخ دهد که چرا

یکی از حواریان حضرت عیسی در قرن اول کتابی حاوی زندگی و سخنان عیسی را نوشته و نام آن را انجیل گذاشته است. مگر او از انجیل واقعی، که به اعتقاد مسلمانان بر حضرت عیسی نازل شده، اطلاع نداشته است؟

ب) اگر بخواهیم این نوشته را از منظر اسلام و قرآن بررسی کنیم، به موارد متعددی برمی‌خوریم که پذیرش آنها مشکل است. برخی از این موارد به قرار زیر است:

۱. در باب اول این کتاب ماجرای آبستنی معجزه آسای مریم آمده است. در باب دوم آمده است که مریم از ترس این که مبدا یهودیان او را به جرم ارتکاب زنا سنگسار کنند، با جوانی خوش کردار به نام یوسف ازدواج می‌کند و ماجرای آبستن بودن خود را به او نمی‌گوید. آیا این امر با شخصیت مریم و نیز روایت قرآن از این ماجرا سازگاری دارد؟
۲. در انجیل یوحنا، باب دوم آمده است که عیسی و مادرش در قانای جلیل در مجلس جشن عروسی شرکت کردند. چون شراب تمام شد، مریم از حضرت عیسی خواست که معجزه کرده، شراب بسازد. عیسی شش قدح سنگی آب را تبدیل به شراب کرد و مردم آن را نوشیدند و گفتند شرابی بهتر از این نوشیده بودیم. همین ماجرا عیناً در باب پانزدهم انجیل برنابا نقل شده است.

۳. مطابق اناجیل رسمی و سنت مسیحی، جناب شمعون پطرس نخستین فردی است که به حضرت عیسی ایمان آورده و او بزرگ‌ترین حواری آن حضرت و در واقع وصی آن حضرت است. روایات اسلامی نیز این نکته را تأیید می‌کند (برای نمونه، رک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۱۰۰، ج ۳۵، ص ۵۵؛ ج ۳۹، ص ۱۶۵). اما باب هفتم انجیل برنابا می‌گوید که پطرس در جواب عیسی که درباره شخصیت خود از حواریان پرسیده بود، او را پسر خدا خواند. عیسی برآشفته و او را شیطان خواند و دیگر حواریان را از او برحذر داشت. او می‌خواست پطرس را از خود برانداما دیگر حواریان پا در میانی کردند و پطرس گریست و گفت که از روی نادانی این سخن را گفتم؛ از خدا بخواه تا مرا بیامرزد. از این سخنان معلوم می‌شود که پطرس به صورت واقعی عیسی را پسر خدا خوانده و بنابراین، این پطرس است که برای نخستین بار عیسی را پسر واقعی خدا خوانده و نه پولس.

۴. از فقرات متعددی از این نوشته (برای نمونه، باب‌های ۱۱۲ و ۱۲۸) برمی‌آید که مردم حضرت عیسی را در زمان حیات خود او خدا می‌خوانده‌اند و آن حضرت موافق نبوده و چاره‌ای نداشته است.



... نگارنده با یسوع [عیسی] باقی ماند. پس یسوع به گریستن فرمود: «ای برنابا! باید کشف کنم بر تو رازهای بزرگی را که واجب است بر تو آگاهانیدن جهان را به آنها بعد از درگذشتن من.» نگارنده به گریه در جواب گفت: برای من و برای غیر من گریه را بپسند؛ زیرا ما گناهکارانیم. تو ای آن که پاک و پیغمبر خدایی! خوشایند نیست که گریه زیاد کنی. یسوع فرمود: «باور کن سخن مرا ای برنابا! که نمی توانم گریه کنم به اندازه ای که بر من واجب است. زیرا اگر مرا مردم خدای نمی خواندند، هر آینه معاینه می کردم خدای را چنان که در بهشت دیدار می شد و هر آینه از ترس روز جزا ایمن می شدم. لکن خدای می داند که من بیزارم؛ زیرا در دل من هیچ خطور نکرد که بیشتر از بنده فقیری محسوب شوم. می گویم به تو که همانا اگر من خدای خوانده نشده بودم، هر آینه همان وقت از جهان در می گذشتم و به سوی بهشت برده شده بودم، اما اکنون تا روز جزا به آنجا نمی روم. در این صورت می بینی که گریه بر من واجب است. (برنابا ۱۲: ۴-۱۱).

اولاً، شواهد تاریخی بسیار زیادی وجود دارد که حضرت عیسی پس از صعود و توسط پولس، خدا خوانده شده و در سنت اسلامی نیز اجمالاً به این اشاره شده است که پولس مسیحیت را تغییر داده و به شکل کنونی در آورده است (رک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۱؛ ص ۳۸).

ثانیاً بر فرض که این روایت درست باشد، اگر عیسی وظیفه خود را انجام داد، چرا باید مجازات شود و تا روز جزا به بهشت نرود. چرا باید گناه دیگران در سرنوشت عیسی تأثیر بگذارد؟

۵. در باب های ۲۱۶ تا ۲۱۸ مطالبی درباره پایان زندگی زمینی عیسی آمده است. وقتی می خواهند عیسی را دستگیر کنند، قیافه یهودای اسخریوطی، که به عیسی خیانت کرد، مانند عیسی می شود و حتی حواریان آن حضرت گمان می کنند که او همان عیسی است. یهودا هر چه فریاد می زند که من عیسی نیستم، کسی به حرف او گوش نمی دهد و متهم می شود که از ترس مرگ این اعمال را انجام می دهد. او از ترس مرگ اعمال سبک و جنون آمیزی انجام می دهد به گونه ای که هم مخالفان و هم مؤمنان به عیسی یقین می کنند که او یک پیامبر دروغین بوده است. پس از کشته شدن و دفن یهودا، برخی از شاگردان

عیسی که ایمان درستی ندارند، جسد او را می‌دزدند و می‌گویند عیسی زنده شده است. اگر این سخن درست باشد، مخالفان عیسی که یقین کردند که عیسی پیامبر دروغین بوده و این را برای نسل‌های بعدی نقل کردند، خلاف یافته‌های خود سخن نگفته‌اند. آیا با این روایت هدف بعثت حضرت عیسی برآورده شده است؟

به هر حال، فرد مسلمانی که بخواهد برای این نوشته اعتبار قائل شود، جدای از این‌که شواهد کافی به سود او نیست، با مشکلات محتوایی جدی روبه‌روست که پاسخ به آنها مشکل یا ناممکن است.

### مراجع

- الطرزى، سالم ابراهيم، ابوكريفا العهد الجديد، الكتاب الاول،....  
 الفغالى، بولس، المدخل الى الكتاب المقدس، بيروت: منشورات المكتبة البولسيه، ١٩٩٤.  
 انجيل برنابا، ترجمه حيدرقلی سردار كابلی. تهران: نشر نيایش، ١٣٧٩.  
 پيترز، اف. ثى، يهوديت، مسيحيه و اسلام، ترجمه حسين توفيقى. قم: مركز مطالعات و  
 تحقيقات اديان و مذاهب، ١٣٨٤.  
 سعيد، حبيب، المدخل الى الكتاب المقدس. قاهره: دار التأليف و النشر للكنيسة الاسقفيه.  
 كرنز، ارل، سرگذشت مسيحيه در طول تاريخ، ترجمه آرمان رشدى. تهران: آموزشگاه كتاب  
 مقدس، ١٩٩٤.  
 گريدى، جوان، مسيحيه و بدعتها، ترجمه عبدالرحيم سليمانى. قم: مؤسسه فرهنگى  
 طه، ١٣٧٧.  
 مجلسى، محمداقبر، بحار الانوار. بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣هـ.  
 ميشل، توماس، كلام مسيحي، ترجمه حسين توفيقى. قم: مركز مطالعات و تحقيقات اديان و  
 مذاهب، ١٣٧٧.  
 Achtemerier, Paul I., *Harper's Bible Dictionary*. San Francisco: Harper 1985. (HBD)  
 Cross, F. L. (ed.), *The Oxford Dictionary of the Christian Church*. Oxford University Press,  
 1997. (ODCC)  
 Lapham, Fred, *An Introduction to the New Testament Apocrypha*. Tand T Clark  
 Internation A Continuum imprint. London New York: 2003. (ANA)  
 Miller, Robert J. (ed.) *The Complete Gospels*, Harpersan Francisco: 1994  
*The International Standard Bible Encyclopedia*, vol. 1. William B. Eerdmans Publishing  
 Company, 1979. (ISBE)  
*The Lost Books of the Bible*. The world Publishing Company, 1926.  
*The Oxford Bible Commentary*, Oxford University Press, 2000. (OBC)  
 Wilson, R (ed.), *New Testament Apocrypha*, vol. 1-2. James Clark & Co Westminster John  
 Knox Press, 1991. (NT)

